

## مقاله پژوهشی: سازمان‌دهی سیاسی فضا با توجه به عوامل تهدیدکننده ژئوپلیتیک

### امنیت و توسعه در کاهش بحران‌های استان‌های غربی کشور

[20.1001.1.33292538.1400.11.40.11.7](https://doi.org/10.1001.1.33292538.1400.11.40.11.7)

حمیدرضا محمدشاهی<sup>۱</sup>، محمد اخباری<sup>۲</sup>، علی بیژنی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵

#### چکیده

همواره سازمان‌دهی سیاسی فضا فرایندی است که طی آن بخشی از سطح زمین به‌وسیله مرزهای جغرافیایی محدود و برای ایفای نقش‌های سیاسی سازمان‌دهی می‌شوند. در سال‌های اخیر حوادث و تغییرات ژئوپلیتیکی ناگواری در مرزهای ایران رخ داد که در این راستا کشور ایران به‌خصوص نواحی غربی آن را تحت تأثیر قرار داد که از آن جمله می‌توان به نفوذهای سیاسی بیگانگان و دشمنان جمهوری اسلامی ایران، بلایای طبیعی افزایش تحرکات گروهک‌های تروریستی و قاچاقچیان مواد مخدر به‌ویژه در کردستان و آذربایجان غربی اشاره نمود. در این راستا پژوهش حاضر در راستای سازمان‌دهی سیاسی فضا با استفاده از قابلیت‌های ژئوپلیتیکی در راستای کاهش بحران‌های غربی کشور خواهد پرداخت. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه کارشناسان، صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه تشکیل دادند و حجم نمونه تعداد ۵۰ نفر تخمین زده شد. نتایج نشان داد که در زمینه مهم‌ترین چالش‌های سازمان‌دهی سیاسی فضا در استان‌های غربی، نتایج نشان داد که چالش‌های زیادی در این زمینه در سطح استان‌های غربی وجود دارد که در این میان فعالیت‌های اشترار و گروه‌های تروریستی در نواحی غربی، چالش‌های مرتبط با بلایای طبیعی نظیر زلزله و پیامدهای پس از آن و اختلافات نژادی میان اقوام و حکومت نقش پررنگ‌تری در این زمینه دارند و همچنین عوامل محیط زیستی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از جمله مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده ژئوپلیتیک امنیت و توسعه در استان‌های غربی محسوب می‌شوند.

۱. گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

[dr.m.akhbari@gmail.com](mailto:dr.m.akhbari@gmail.com)

۳. گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

**کلیدواژه‌ها:**

سازمان‌دهی سیاسی فضا، نواحی غربی، قابلیت‌های ژئوپلیتیکی، امنیت، توسعه.

**مقدمه**

از اواخر قرن بیستم توسعه نابرابر میان گروه‌های مختلف قلمروهای جغرافیایی، به-خصوص در کشورهای جهان سوم به موضوع اصلی فعالیت‌ها و نگرانی‌ها بین گروه‌های انسانی و تغییرات ژئوپلیتیک و سیاست‌های خارجی میان بازیگران ملی و قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در مختلف تبدیل شده است. همواره اعتقاد بر این است که مسائل ناشی از توسعه نابرابر گروه‌های مختلف جوامع، تهدیدات و امتیازاتی برای سایر بازیگران منطقه‌ای به وجود می‌آورد که در نهایت موجب تضعیف یا به قدرت رسیدن حکومت مرکزی خواهد شد. الگوی سیاسی فضا، نوعی رویکرد در راستای ساخت و اجرای سیستم داخلی حکومت‌های محلی یا منطقه‌ای توسط شیوه‌های مختلف حکومتی است که وظیفه آن ایجاد نظم داخلی و بیرونی میان حکومت‌ها است. عمده‌ترین اثرگذاری دولت‌ها در فضای داخلی و به واسطه سازمان‌دهی فضایی صورت می‌گیرد. از این رو کیفیت و چگونگی سازمان‌دهی فضا، همواره کانون تحولات داخلی کشورها است. دولت‌ها به دنبال ساماندهی چارچوبی منطقی برای ساختار و کارکردهای فضای داخلی هستند تا به این وسیله روند بقای خود را استمرار بخشند و این امر نیازمند شناخت چارچوب‌ها و تحلیل منطقی اصول حاکم بر ساختار، کارکرد و تکوین فضا و درک خصیصه‌های آن است. جغرافیدانان ساختارگرا معتقدند که شناخت ویژگی‌های فضا رویکردی کلی‌نگر را طلب می‌کند و مطالعه جداگانه پدیده‌های فضا منجر به شناخت کامل و جامع از فضا نخواهد شد؛ چراکه هر پدیده با توجه به مجموعه پدیده‌هایی که با آن در ارتباط می‌باشند و از هم تأثیر و تأثر می‌پذیرند؛ قابل بررسی است. از این رو، هر رویکردی که بخواهد کارکردهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... را با ساختار فضایی کشور پیوند دهد، باید توجه نماید که ساختار فضایی و فرایندهای موجود، حاصل کارکردهایی است که حکومت در کانون آن قرار دارد. سازمان‌دهی سیاسی فضا فرایندی است که طی آن بخشی از سطح زمین توسط مرز محدود و برای ایفای نقش‌های سیاسی

سازمان‌دهی می‌شود.

درواقع رویکرد سازمان‌دهی سیاسی، فضاها را جغرافیایی موجود در قلمروهای مشخص را شناسایی می‌کند و سپس تأثیرات کارکردی دولت در کلیه ابعاد مذهبی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، رفاهی و خدماتی افراد را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این مطالعات به‌طور معمول در راستای ارائه بهتر خدمات و هماهنگ کردن واحدهای مختلف در راستای اهداف ملی، محله‌ای و بین‌المللی است. بر همین اساس دولت‌ها چه در دوره‌های تاریخی گذشته و چه در حال حاضر، به تقسیم فضای سرزمینی جغرافیایی خود پرداخته و سازمان مناسبی را برای اداره امور آن تدارک دیده‌اند که ضرورت و اهداف مهم آن عبارت‌اند از:

- اداره بهتر امور محلی و منطقه‌ای،
- کنترل سیاسی و اعمال نظریات و سیاست‌های دولت مرکزی و تحقق اهداف سطح ملی در فضاها منطقه‌ای و محلی،
- فراهم‌سازی شرایط مساعد برای مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود،
- ایجاد فرایندهای توسعه منطقه‌ای و بارورسازی ظرفیت‌های درون منطقه‌ای،
- عرضه خدمات مطلوب و ارتقاء سطح زندگی و تأمین بهینه نیازهای مردمی و محلی و ایجاد چارچوب فضایی مناسب برای تقسیم‌کار ملی.

### ضرورت تحقیق

همواره نقش سازمان‌دهی سیاسی فضا در قالب تقسیمات کشوری در مدیریت صحیح فضای کشور و تعدیل و از بین بردن آسیب‌پذیری‌های ملی انکارناپذیر است و همچنین این تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند در امنیت ملی، امنیت داخلی، ژئوکالچر، همگرایی قومی و مذهبی و در نهایت معادلات پیچیده ژئوپلیتیک منطقه تأثیرگذار باشد. ایران کشوری در جنوب غربی آسیا و در منطقه خاورمیانه با  $۱/۶۴۸/۱۹۵$  کیلومتر مربع وسعت (هجدهم در جهان) و بر پایه سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای  $۷۹/۹۲۶/۲۷۰$  نفر

جمعیت (هجدهم در جهان) است. ایران یک قدرت متوسط و منطقه‌ای مهم در خاورمیانه است که به‌خاطر ذخایر عظیم انرژی و نفت و همچنین با توجه به موقعیت ممتاز و خاص جغرافیایی خود، دارای ترکیبات قومی مختلف، سیاست‌های مختلف، احزاب مختلف و اتباع بیگانه مختلفی است که تمامی این‌ها در سازمان‌دهی سیاسی قلمروهای مختلف ایران بی‌تأثیر نبوده است. ازجمله مهم‌ترین قلمروهای جغرافیایی سرزمین ایران که نقش مهمی در امنیت ملی، اهداف نظام و ژئوپلیتیک منطقه تأثیرگذاری مهمی داشته است قلمروهای استان‌های غربی ایران است که در سال‌های گذشته به دنبال بحران‌های اقتصادی، مذهبی، سیاسی، اجتماعی و محیط زیستی، زمینه‌ها را برای ایجاد بحران در منطقه ایجاد کرده و تغییرات ژئوپلیتیک را به همراه داشته است و با توجه به تحریم‌های ظالمانه پس‌ابرجام ایالات متحده و کشورهای هم‌پیمان آن بر ضد جمهوری اسلامی ایران، این‌طور به نظر می‌رسد که به دلایل ناشی از کاهش قدرت‌های اقتصادی دولت و افزایش فشارهای اقتصادی بر شهروندان استان‌های غربی، بحران‌ها و مشکلات استان‌های غربی افزایش یابد و ژئوپلیتیک به‌ویژه در شاخه امنیت و توسعه دچار تغییرات گسترده‌ای گردد. رویکردهای اشتباه و فاقد انسجام سازمان‌دهی‌های سیاسی فضا در این قلمروها امروزه مشکلات زیادی را به همراه آورده است که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کاهش همگرایی ملی و منطقه‌ای، افزایش اختلافات گروه‌های نژادی بر ضد حکومت مرکزی، کاهش امنیت ملی و محلی، ایجاد قطب‌های رقیب در منطقه، کاهش مشارکت‌های مردمی، افزایش خشونت و آشوب‌های اعتراض‌آمیز، بحران عدم مدیریت صحیح بلایای طبیعی نظیر زلزله، افزایش عدم توسعه‌یافتگی، افزایش قاچاق مواد مخدر - کالاها و سلاح‌های گرم و سایر این قبیل موارد اشاره نمود که تمامی این‌ها پیامدهای امنیتی، ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیک و حتی در زمینه سیاست‌های خارجی برای حکومت مرکزی به همراه داشته است.

## بیان مسئله

حال با توجه به مطالب یادشده و بحران‌های حال حاضر استان‌های غربی کشور، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که مهم‌ترین چالش‌های سازمان‌دهی سیاسی فضا در استان‌های غربی کشور شامل چه مواردی است و کدام عوامل ژئوپلیتیک امنیت و توسعه در این مناطق را در طی پنج سال آینده بیش‌ازپیش مورد تهدید قرار خواهند داد؟

با توجه به مسائل مطرح‌شده پرسش‌های اصلی تحقیق شامل موارد زیر است:

- سازمان‌دهی سیاسی فضا با توجه به قابلیت‌های ژئوپلیتیکی ایران در کاهش بحران‌های استان‌های غربی چه نقشی را می‌تواند ایفا نماید؟
- مهم‌ترین چالش‌های سازمان‌دهی سیاسی فضا در استان‌های غربی کشور شامل چه مواردی است؟

## پیشینه تحقیق

در خصوص سازمان‌دهی سیاسی فضا در مناطق غربی کشور تاکنون رساله، پایان‌نامه، طرح تحقیقاتی و مقاله‌ای صورت نگرفته است؛ اما در زمینه‌های نزدیک به موضوع تاکنون چندین رساله و پایان‌نامه انجام گرفته که شرح خلاصه‌ای از نتایج آن به قرار زیر است:

- راحمی و همکاران، ۱۳۹۷، بررسی سازمان‌دهی سیاسی فضا در نواحی سکونتگاهی کشور مورد مطالعه: شهرستان کاشان، نتایج آن به شرح زیر است:

بررسی مؤلفه‌های جمعیتی در شهرستان کاشان و دیگر شاخص‌های اصلی از قبیل اقتصادی، گردشگری، تاریخی نشان می‌دهند که در صورت تأسیس استان جدید، کاشان نسبت به سایر مراکز جمعیتی از اولویت بالاتری در جهت بهره‌برداری مناسب از پتانسیل جمعیت منطقه برخوردار است. نقطه جدایی کاشان نسبت به سایر شهرهای پرجمعیت بیشتر است. بیشترین فاصله از مرکز استان را کاشان با فاصله ۲۱۵ کیلومتر از میان شهرهای بالای جمعیت سیصد هزار نفر دارد. حوزه نفوذ اصفهان ۱۵۵ کیلومتر است؛ بنابراین فاصله

نقطه جدایی ۶۰ کیلومتر است. سایر شهرهای استان اصفهان، نجف‌آباد و خمینی‌شهر فاصله‌ای کمتر از ۳۰ کیلومتر تا اصفهان دارند. در مجموع مقایسه فاصله بر اساس جمعیت نشان می‌دهد که کاشان بر اساس پتانسیل جمعیتی و دوری از مرکز استان، شرایط مناسب‌تری برای ادعای جدا شدن می‌تواند داشته باشد و علت اصلی آن هزینه‌بر بودن رفت‌وآمدها جهت حل مسائل اداری و مردمی به مرکز استان اصفهان است.

- میرشکاران، ۱۳۹۲، الگویابی سازمان‌دهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط با تأکید بر ایران، نتایج آن به شرح زیر است:

تقسیمات کشوری چارچوب و استخوان‌بندی فضای سرزمینی کشور به‌عنوان بستری برای تأمین امنیت ملی، کشوری و ناحیه‌ای به موازات مهیاسازی شرایط مطلوب برای توسعه متوازن و متعادل تمامی مناطق کشور است. لازمه چنین بستری شناسایی و نگاه سامانمند به مقوله سازمان‌دهی فضا و عوامل و مؤلفه‌های آن است تا تمامی جریان‌های حرکتی موجود در سطوح مختلف ساختار سیاسی فضا (کشور) را پوشش دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد توجه به شاخص‌های کمی و عدم استفاده از شاخص‌های کیفی در سازمان‌دهی سیاسی فضا و اثرگذاری آن در ساختار ناهمگون و متکثر فضایی ایران با سیستم سیاسی بسیط سبب شکل‌گیری عدم تعادل‌های فضایی از قبیل شکاف‌های توسعه منطقه‌ای، تشدید مرکز-پیرامون، دوگانگی فضایی مناطق مرکزی و حاشیه‌ای و تفاوت‌ها و نابرابری‌های فضایی شده است. پیامدهای این نتایج در ساختار فضایی ایران سبب ایجاد بحران و ناامنی‌های منطقه‌ای و کاهش سرمایه اجتماعی و ضعف در قلمرو مؤثر ملی شده است. این روند، حرکت آنتروپی سیستم سیاسی را به سمت مثبت و افزایش میرایی سوق داده است که بقای سیستم را با خطرات عدیده‌ای مواجه کرده است.

- میرزایی، ۱۳۹۱، تبیین کارکرد فاصله در سازمان‌دهی سیاسی فضا با تأکید بر استان خراسان، نتایج آن به شرح زیر است:

که تقسیمات کشوری یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین اقدامات دولت‌ها در جهت مدیریت بهینه سرزمین و همگام با آن حفظ وحدت و یکپارچگی در سطوح محلی،

منطقه‌ای و ملی به شمار می‌رود. ترسیم مرزهای رسمی به‌منظور سازمان‌دهی سیاسی کشور متأثر از مؤلفه‌های دیگری تحت عنوان اختصاصات فضایی است که الگوهای فعالیت انسان در فضا را مشخص می‌کند. سازمان‌دهی سیاسی فضا چنانچه نتواند استقرار سکنه، سازمان‌دهی عرصه فعالیت و شکل‌گیری ساختارها را در یک الگوی فشرده، سازمان‌دهی کند با کاهش کارایی و عدم رضایت سکنه از دستیابی به خدمات و اشتغال به فعالیت مواجه خواهد شد. تعامل فضایی / کنش متقابل فضایی از تفاوت میان اختصاصات مکانی ناشی می‌شود. به‌ویژه تعامل میان نقاطی که به‌عنوان نقاط کانونی عمل می‌کند. در این کنش متقابل فاصله نقش زیادی دارد و از دامنه گسترده‌ای برخوردار است. حکومت‌ها چنانچه در سازمان‌دهی کردن سیاسی فضا نتوانند به این نقش‌ها بپردازند. مشروعیت سیاسی خود را از دست خواهند داد.

## ۱. مبانی نظری

### ۱-۱. نظام‌های مدیریت سیاسی فضا

#### ۱-۱-۱. الگوی سیاسی بسیط یا تک‌ساخت

در این شکل نظام حکومتی، دراصل به اداره امور سازمان‌های محلی و منطقه‌ای توجهی ندارند و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، حکومتی و اداری از مرکز به پایین‌ترین سطوح القا می‌شوند (نبوی، ۱۳۷۱: ۳۸).

کشورهای دارای سیستم بسیط از حیث تفویض اختیارات و قبض و بسط قدرت سیاسی - اجرایی به‌وسیله دولت مرکزی در طیف متنوعی از دولت‌های به‌شدت متمرکز گرفته تا دولت‌های به‌شدت غیرمتمرکز قرار دارند.

#### ۱-۱-۲. نظام‌های ناحیه‌ای (غیرمتمرکز)

الگوی ناحیه‌ای به‌طور معمول بین الگوی فدرال و بسیط قرار دارد و از خصیصه‌های هر دو برخوردار است. این الگو در اصل همان هویت بسیط را دارد، اما به دلیل تفاوت‌های محلی و وجود اقلیت‌های فضایی در حاشیه یا در درون کشور، نوعی خودگردانی و خودمختاری محلی و منطقه‌ای در آن برقرار می‌شود. در کتاب جغرافیایی سیاسی ایران از

حیث نظری چند نوع خودمختاری در الگوی ناحیه‌ای عنوان شده است که عبارت‌اند از:

(۱) **خودمختاری مطالبه‌ای:** در این الگو، منطقه یا ناحیه جغرافیایی نسبتاً قدرتمند یا خاص به دلیل ساختار اکولوژیک منحصربه‌فرد با حکومت مرکزی درگیر می‌شوند. ناحیه خودمختار با اعمال فشار بر حکومت مرکزی به خودگردانی دست پیدا می‌کند و حکومت مرکزی به‌ناچار با آن موافقت می‌کند. مثل کردستان عراق در زمان حکومت حزب بعث، باسک در اسپانیا و ...

دولت مرکزی به‌شدت تلاش می‌کند منطقه سرکش را کنترل کند و منطقه اکولوژیک تلاش می‌کند تا کنترل دولت مرکزی را نفی و اختیارات محلی - منطقه خود را توسعه دهد. دو نیروی گریز از مرکز و مرکزگرا در جدالی بلندمدت در نهایت به توازن قوا می‌رسند و دولت مرکزی ناچار منطقه اکولوژیک را به رسمیت می‌شناسد و آن‌ها نیز می‌پذیرند در چارچوب جغرافیای سیاسی کشور باقی بمانند.

(۲) **خودمختاری توافقی:** برخی خودمختاری‌ها در سایه عقلانیت و اندیشه عالمانه جمعی در ساختار سیاسی کشور بسیط به وجود می‌آیند که گویای درک بیعت حاکمه از واقعیت تفاوت‌هایی جغرافیایی یا اصالت دادن به رشد، توسعه و مقتضیات منطقه‌ای است؛ یعنی دولت مرکزی و زمامداران می‌پذیرند که تفاوت‌های منطقه‌ای انکارناپذیرند و باید امور منطقه‌ای را به عهده ساکنان آن‌ها گذاشت؛ مانند نخجوان در آذربایجان و مناطق خودمختار دانمارک.

(۳) **خودمختاری تفویضی:** در این الگو دولت مرکزی با در نظر گرفتن ملاحظات اقتصادی و سیاسی در چارچوب منافع ملی به بخش‌هایی از کشور نوعی خودمختاری اعطا می‌کند. این مناطق هویت کارکردی دارند، مانند مناطق آزاد تجاری و صنعتی که در تعدادی از کشورها از جمله در ایران به وجود آمده‌اند (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۴۲۹).

### ۳-۱-۱. نظام‌های فدرال

در این سیستم قدرت بین دولت فدرال و چند دولت ایالتی تقسیم می‌شود و هرکدام اختیارات خاص خود را دارند (دیکسیتی، ۱۹۹۵: ۲۰۶). الگوی فدرال راه‌حل سیاسی مناسب برای اداره سرزمین‌هایی است که به‌وسیله گروه‌های مختلف زبانی، مذهبی، قومی و ...



مسکون شده است و تفاوت‌های ناحیه‌ای در آن‌ها تظاهر یافته است (میرحیدر و ذکی، ۱۳۸۱).  
الگوی فدرال از به هم پیوستن جماعات متمایز انسانی و به عبارتی چند واحد سیاسی مستقل و حاکم پدید می‌آید که تصمیم می‌گیرند که سرنوشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی خود را به هم پیوند داده و کشور بزرگ‌تری با امکانات بیشتری به وجود آورند. الگوی فدرال را آمریکایی‌ها برای نخستین بار در پایان قرن ۱۸ میلادی ابداع کردند. این الگو در سال ۱۷۸۷ از تبدیل نظام کنفدرال را که از سال ۱۷۸۱ تا ۱۷۸۷ در میان سیزده دولت مستقل آمریکایی برقرار بود، پدید آمد (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۴۲۲). خصیصه اصلی نظام فدرال وجود تفاوت‌های جغرافیایی یا گستردگی و وسعت سرزمینی است. درواقع جغرافیایی‌ترین گونه حکومت، فدرالیسم است؛ چراکه در این شیوه حکومتی تفاوت‌های مکانی و جغرافیایی اصالت می‌یابند. در کنار نظام‌های فدرال، از نظام‌های شبه فدرال نظیر امارات و مالزی قرار دارد.

#### ۴-۱-۱. الگوی محلی

این الگو جنبه‌ای اجتماعی، اقتصادی، اداری و فرهنگی دارد و بُعد سیاسی در آن یا وجود ندارد یا ضعیف است. این الگو صرف‌نظر از تفاوت‌هایی که میان نظام‌های فدرال، ناحیه‌ای و بسیط وجود دارد، برای تمامی موارد سه‌گانه یادشده قابل تعمیم است. هدف این الگو اداره بهینه امور محلی که مستقیماً با زندگی سکنه و شهروندان مقیم در یک مکان (شهر یا روستا) یا منطقه یا ناحیه‌ای جغرافیایی (بخش، شهرستان و استان) سرکار دارد، است و نوع و حجم و آن و سطح اختیارات در چارچوب قوانین محلی مشخص می‌شود (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۴۲۹).

رئیس حکومت (رهبر، رئیس‌جمهور، پادشاه، سلطان و ...)	بازیگران سیاسی
رئیس دولت (نخست‌وزیر، صدراعظم، وزرا و ...)	
پارلمان‌ها و مجالس قانون‌گذاری	
نمایندگان دولت (استاندار، فرماندار، رئیس ایالت و ...)	
سفرا (سفیر، سرکنسول، وزیرمختار و ...)	
احزاب (رئیس، کمیته سیاسی، دبیر کل و ...)	

گروه‌های فشار رهبران و نخبگان سیاسی حکومت / دولت محلی مجلس سازمان‌های بین‌المللی NGO ها و گروه‌های فشار	
نظام تصمیم‌گیری قانون‌گذاری مدیریت فرمانروایی	فرایندهای سیاسی
قانون اساسی قوانین عمومی و عادی مصوب پارلمان مقررات و آیین‌نامه‌ها بخش‌نامه‌ها، فرمان‌ها و احکام حکومتی (صادر از سوی بخش‌های حکومت) برنامه‌های توسعه اقتصادی هدف‌گذاری‌ها (چشم‌اندازهای توسعه) راهبردها پیمان‌ها و اساس‌نامه‌ها	مستندات سیاسی

جدول ۱. جدول مشخصات الگوی محلی (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵)

#### ۵-۱-۱. الگوی فدرالیستی (نمونه کردستان عراق)

حکومت منطقه‌ای کردستان با الگوهای کلاسیک خودگردانی و فدرالیسم تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد. در رابطه با شواهد آن می‌توان گفت: حکومت منطقه‌ای کردستان در مواردی نظیر دارا بودن مرکزیت سیاسی، پارلمان و قوه مجریه محلی، بودجه محلی و داشتن نمایندگی در پایتخت فدرال و ... با سایر الگوهای غیرمتمرکز شباهت دارد و اما در ارتباط با تفاوت شیوه خودگردانی حکومت منطقه‌ای کردستان در مواردی نظیر برقراری روابط خارجی با سایر بازیگران نظام بین‌الملل، در اختیار داشتن نیروهای نظامی موسوم به پیش مرگه یا حافظان اقلیم که در حکم ارتش هستند، صلاحیت‌ها و اختیارات پارلمان و حکومت منطقه در سطوح داخلی و ملی، قدرت پارلمان کردستان در زمینه وتوی قوانین

پارلمان و حکومت فدرال و ... با سایر الگوهای متمرکز تفاوت دارد. با عنایت به تفاوت‌های مدل حکومتی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرال می‌توان برای آن وجود مستقلى در چارچوب الگوهای مدیریت سیاسی فضا قائل بود. نتیجه اینکه، الگوی حکومتی در کردستان عراق و حکومت منطقه‌ای آن با وجود داشتن اشتراکات فراوان با الگوهای خودمختاری یا فدرالیسم، در زمره هیچ‌کدام از آن‌ها قرار نمی‌گیرد؛ زیرا اختیارات و صلاحیت‌هایی که در چارچوب قانون اساسی عراق به حکومت منطقه‌ای کردستان اعطا شده است باعث شده است که مدل کردستان عراق در مرحله‌ای بالاتر از خودمختاری و ایالت فدرالیسم قرار بگیرد. بر همین اساس می‌توان نام این الگوی حکومتی را مدل فدرالیته نامید (قربان‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۱۷-۲۱۵).

## ۲-۱. بحران ژئوپلیتیک و تفاوت آن با بحران سیاسی

بحران ژئوپلیتیک عبارت است از منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های متشکل سیاسی- فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی. بحران‌ها و سرچشمه‌ها و انواع مختلف داشته و از لحاظ کارکردی منجر به خروج سیستم از حالت تعادل. بروز اختلال در وضعیت عادی و فرایندهای فضای جغرافیایی و زیستگاه انسان می‌گردند. بحران‌های ژئوپلیتیک دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۶). الف) موضوع و عامل بحران، کنترل، مداخله و تصرف یک یا چند ارزش جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی است. نظیر مکان، فضا، موقعیت، آب، ابر، منبع معدنی، مردم هم‌کیش، اقلیت‌ها، زیارتگاه‌ها، بازار صادراتی، مسیر انتقال کالا، انرژی، توریسم، جزیره، تنگه، خط مرز، مکان مذهبی، قدرت منطقه‌ای، مداخله برون منطقه‌ای و نظایر آن. پیتر هاگت جغرافیدان برجسته انگلیسی سرچشمه‌های جغرافیایی بحران در روابط بین‌المللی را در قالب یک مدل تصویری بیان می‌کند. او در مدل نظری خود عوامل مختلفی را باعث بروز تنش و بحران در روابط کشورها می‌داند (هاگت، ۱۳۷۵: ۳۷۲). عوامل مزبور عبارت‌اند از: مسیر ترانزیتی کشور محصور در خشکی، تغییر خط مستقیم آب در

مرز، تغییر مسیر رودخانه مرزی، خط منصف دریاچه مرزی، کنترل سرچشمه رودخانه، گروه اقلیت خارج از کشور، گروه اقلیت مستقر در مرز مشترک، کوچ‌نشینان، جدایی‌طلبی اقلیت‌های داخلی ذخایر و مکان‌های دارای کارکرد بین‌المللی، پتانسیل تهدید در حاشیه ماورای مرز نظیر مجاورت پایتخت با مرز مشترک، منابع معدنی اعم از استراتژیک و انرژی، باروری مصنوعی ابرها.

ب) بحران ژئوپلیتیکی از تداوم و پایداری نسبی برخوردار است و به‌سادگی قابل حل و برطرف شدن نیست؛ زیرا موضوع بحران و کشمکش ارزش‌های جغرافیایی هستند که در زمره منافع و جمعی محسوب می‌شوند. به عبارتی آحاد ملت یا گروه متشکل انسانی از آن‌ها درک منفعت جمعی و ملی دارد و بنابراین قابل چشم‌پوشی نیستند و مصالحه درباره آن‌ها به‌سختی انجام می‌پذیرد.

ج) بحران‌های ژئوپلیتیکی هرچند شکل سیاسی به خود می‌گیرند ولی با نوع خاص بحران‌های سیاسی تفاوت دارند. بحران‌های سیاسی عامل بروز تنش در روابط دولت‌ها با یکدیگر می‌باشند و ممکن است به سردی روابط، قطع روابط و حتی جنگ و درگیری منجر شوند. این نوع بحران‌ها بیشتر از عوامل رفتاری، اندیشه‌ای، آئین دیپلماسی و تشریفات، تعرض و بی‌احترامی نسبت به پرستیژ ملی و ارزش‌های سیاسی، فرهنگی و نظایر آن ناشی می‌شوند. برخلاف بحران‌های ژئوپلیتیکی الگوی مداخله چند سطحی شکل می‌گیرد. به عبارتی سطوح مختلفی از بازیگران در ارتباط با بحران درگیر می‌شوند و این درگیر شدن بازیگران ناشی از اهداف خاص آن‌ها می‌باشند؛ مانند انگیزه‌های بشردوستانه یا شبه بشردوستانه، توسعه حوزه نفوذ، ارتقای موقعیت ژئوپلیتیکی در سیستم منطقه‌ای و جهانی از طریق به دست گرفتن رهبری و مدیریت فرایند حل و فصل بحران که می‌تواند با رویکرد آشتی‌جویانه یا تداوم بحران همراه باشد. سطوح مختلف بازیگران در بحران ژئوپلیتیک عبارت‌اند از: ۱- سطوح محلی (بازیگران و طرف منازعه)، ۲- سطح منطقه‌ای، ۳- سطح فرامنطقه‌ای، ۴- سطح جهانی و کروی و ۵- سطح سازه‌ای یا سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی نظیر سازمان ملل و شورای امنیت (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۳۰-۱۲۷). با توجه به

آنچه گفته شد، بحران ژئوپلیتیکی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: بحران‌های ژئوپلیتیکی به بحران‌هایی گفته می‌شود که دارای منشأ جغرافیایی باشند، به عبارتی وقتی یک فضای جغرافیایی به دلایل مختلفی میان گروه‌های مختلف قرار بگیرد، بحران ژئوپلیتیکی به وجود می‌آید. بحران‌های ژئوپلیتیکی از بحران‌های سیاسی بسیار متفاوت‌اند، به طوری که تبعات و تأثیرات بحران‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند بُعد منطقه‌ای و حتی بُعد جهانی به خود بگیرد.

### ۳-۱. بحران داخلی

به مجموعه بحران‌هایی که در داخل حوزه کشور و صلاحیت ملی و سرزمینی حکومت‌ها پیش می‌آید بحران داخلی گفته می‌شود اعم آنکه ناحیه‌ای یا مکانی باشد؛ برای مثال در یک استان یا در یک شهر مانند انقلابات، شورش‌های شهری، تجزیه‌طلبی فضاهای حاشیه‌ای کشور. بحران‌های داخلی برحسب سه ملاک طبقه‌بندی می‌شوند: یکی شیوه انجام عمل یا وقوع تحولات برحسب اینکه مسالمت‌آمیز یا خشونت‌بار باشد. دوم منشأ تحولات برحسب اینکه از بالا یعنی از درون حکومت صورت گیرد یا از پایین یعنی از جانب گروه‌های خارج از قدرت سیاسی انجام پذیرد و سوم عمق و دامنه تحولات که ممکن است از سطحی‌ترین دگرگونی‌ها در رویه‌های حکومتی، افراد حاکم و سیاست‌های دولتی تا عمیق‌ترین تحولات در قانون اساسی، ایدئولوژی، طبقه حاکم و نظام اقتصادی را در برمی‌گیرد (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۸۵).

### ۴-۱. توسعه‌نیافتگی

در معنایی ساده و اولیه، جامعه توسعه‌نیافته، جامعه‌ای است که شاخص‌های جامعه توسعه‌یافته را در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ندارد. ولی این ساده‌انگاری است که جوامع عقب‌مانده امروز را تنها توسعه‌نیافته بدانیم (کلمن و نیکسون، ۱۳۷۸: ۷۳). توسعه‌نیافتگی مرحله‌ای است که با وضعیت جامعه سنتی قرین است و مرحله ابتدایی بوده است که جوامع توسعه‌یافته امروز خیزش خود را از آن آغاز کرده‌اند. در حالی که جوامع امروز

به هیچ وجه جامعه سنتی نیستند در عین حال توسعه یافته هم محسوب نمی شوند. به جای مفهوم فوق بهتر است که این گونه جوامع را کمتر توسعه یافته بنامیم، یعنی جامعه ای که گرچه توسعه یافته نیست ولی توسعه یافته هم تلقی نمی شود، بلکه جامعه ای است که تحت تأثیر آثار نوسازی قرار گرفته و برخی از ابعاد و آثار نوسازی را در خود پذیرفته است ولی به طور کامل در نظم دنیای مدرن نیز ادغام نشده است و جایگاهی حاشیه ای در صورت بندی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دنیای جدید دارد. به هر حال بر اساس تفکیک فوق، کشورهای کمتر توسعه یافته ویژگی های زیر را دارند:

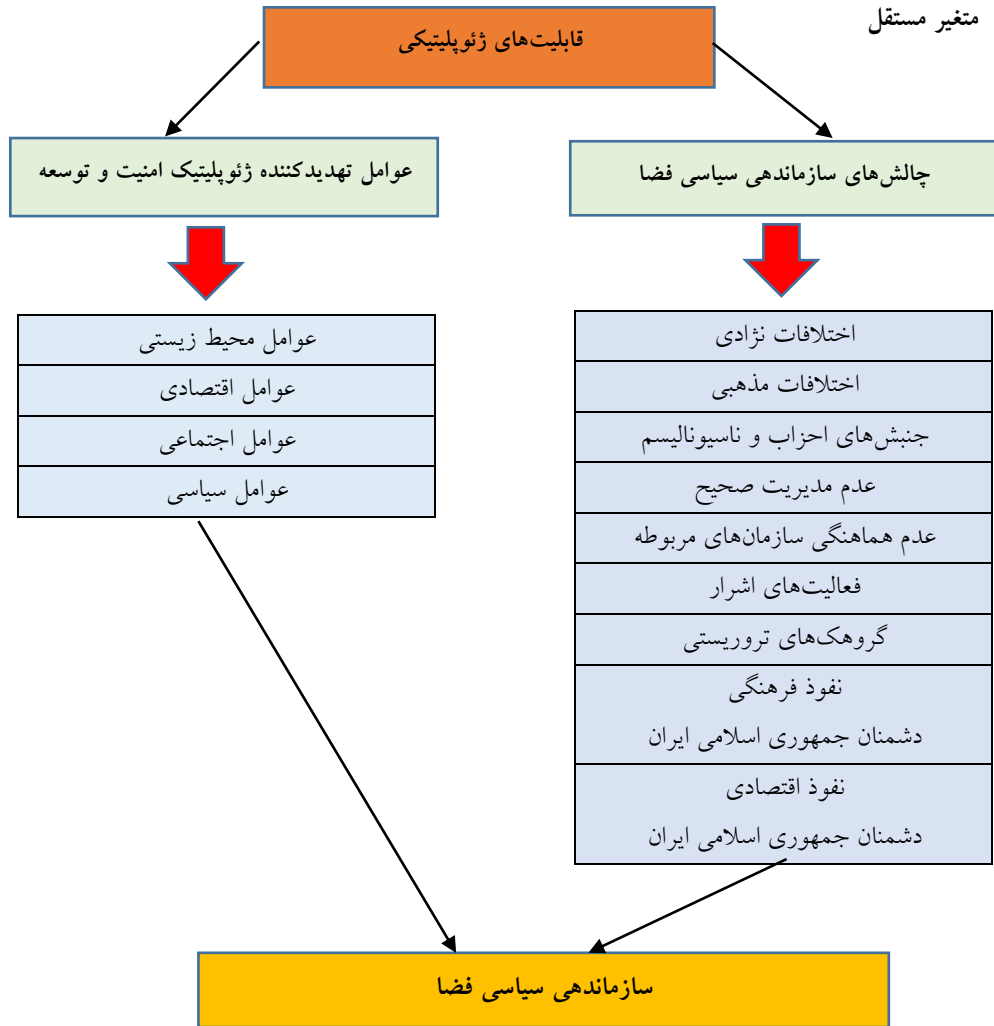
- به لحاظ شاخص های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی توسعه، کشورهای مزبور در سلسله مراتب جهانی جایگاه مطلوبی ندارند.
- کشور توسعه نیافته کم توسعه امروزی، کشوری است که به لحاظ اجتماعی در آن گسست کاملی از صورت بندی اجتماعی سنتی ایجاد نشده در عین آنکه صورت بندی اجتماعی طبقاتی مبتنی بر روابط سرمایه داری هم در آن تحقق نیافته است.
- در این ساخت اجتماعی، روابط اجتماعی و خانوادگی سنتی و مدرن در کنار هم همزیستی دارند.
- تقسیم کار اجتماعی به صورتی ناقص انجام شده است و کنار نهادهای جدید مانند بوروکراسی نهادهای سنتی به حیات خود ادامه می دهند.
- روابط اقتصادی در حالتی از تنازع میان الگوهای معیشتی، صنعتی و خدماتی در جریان است. اگرچه روابط اقتصادی تغییر یافته ولی این تغییر به طور عمده در جهت استخراج منابع خدادادی و متناسب با نیازهای بازار جهانی بوده است.
- روابط اجتماعی و غیر شخصی در کنار روابط شخصی و فAMILI در نهادهای گوناگون اجتماعی به همزیستی ادامه می دهند و در عمل فساد و فقدان بهره وری در تمام سیستم اجتماعی امری طبیعی جلوه می کند.
- در این کشورها حکومت - ملت پایه یک شکل نگرفته است و دراصل شکل

- حکومت محل مناقشه ادعاها و گروه‌های اجتماعی گوناگون است.
- الگوهای فرهنگی سنتی و مدرن، عقلانیت در کنار رسوم و سنت‌ها، علم در کنار غیرعلم در حالت نامتناسب به حیات خود ادامه می‌دهند.
  - در حالی که ورود نسبی تجدد باعث بهبود کیفیت زندگی، رشد بهداشت و آموزش شده است، این جوامع رشد فزاینده‌ای در جمعیت و کاهش مرگ‌ومیر دارند و همین امر انفجار جمعیت را در این کشورها به نمایش می‌گذارد.
  - در حالی که شهرنشینی رخ داده است ولی این شهرنشینی اغلب سرشستی بیمارگونه داشته است؛ چراکه یک فرایند منطقی را طی نکرده است. از مهم‌ترین دلایل افزایش جمعیت شهرنشین چنین کشورهایی مهاجرت‌های روستا- شهری است.

## ۲. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی- توسعه‌ای است و از نظر ماهیت کیفی و روش از نوع پژوهش‌های توصیفی- تحلیلی است. در این تحقیق ابتدا با تهیه طرح تحقیق، اقدام به مطالعه و جمع‌آوری ادبیات ارائه‌الگوی سازمان‌دهی سیاسی فضا با استفاده از قابلیت‌های ژئوپلیتیکی ایران (بحران‌های غربی) پرداخته و سپس با طراحی الگوی مفهومی پیشنهادی، پرسشنامه‌ای برای جامعه آماری طراحی گردیده، به این صورت که پرسشنامه برای جامعه آماری کارشناسان و صاحب‌نظران جغرافیای سیاسی تکمیل گردید و در نهایت پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها پرداخته شده است. در تحقیق حاضر برای نمونه‌گیری جامعه آماری اساتید دانشگاه، صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه جغرافیای سیاسی، از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده گردید و حجم نمونه آن تعداد ۵۰ نفر تخمین زده می‌شوند. و برای حجم نمونه اساتید تعداد ۲۰ نفر را در نظر می‌گیریم. متغیرهای تحقیق به صورت نمودار شماره ۱ است:

مراحل انجام تحقیق به صورت زیر است:



نمودار شماره ۱. نمودار متغیرهای تحقیق، مأخذ: (نگارنده)

## ۲-۱. شناخت استان‌های غربی

همواره استان‌های غربی ایران از مجموع پنج استان تشکیل شده است که مشخصات، مساحت و جمعیت هرکدام از استان‌ها به صورت زیر است:



### ۱-۱-۲. استان آذربایجان غربی

این استان در منطقه آذربایجان و در شمال غربی کشور ایران قرار دارد و مرکز آن شهر ارومیه است.

آذربایجان غربی دارای مساحت ۳۷/۰۵۹ کیلومتر مربع و جمعیت ۳/۲۶۵/۲۱۹ است. ترک‌های آذربایجانی و کردها از گروه‌های عمده این استان به شمار می‌روند. کردها در بخش‌های مرتفع غربی و جنوبی استان نشیمن دارند و متقابلاً ترک‌های آذری در دشت‌های پیرامون دریاچه ارومیه و بخشی نیز در دشت‌های شمال و جنوب شرقی استان، سکونت دارند. همچنین اقلیت‌های آشوری و ارمنی هم در استان ساکن هستند (وبسایت ایرانیکا).

استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۵ دارای ۱۷ شهرستان، ۳۶ بخش، ۳۶ شهر، ۱۰۹ دهستان و ۳۷۲۸ آبادی است و مرکز آن شهر تاریخی ارومیه بوده است. از لحاظ وسعت ارومیه بزرگ‌ترین و شهرستان شوط کوچک‌ترین شهرستان‌های استان هستند (مرکز آمار ایران).

### ۱-۲-۲. استان کردستان

استان کردستان یکی از استان‌های ایران به مرکزیت شهر سنندج است که در غرب کشور واقع شده است. مساحت این استان ۲۸/۲۰۰ کیلومتر مربع معادل ۷/۱ درصد مساحت کل کشور ایران است. جمعیت این استان نیز ۱/۶۰۳/۰۱۱ است (مؤمن‌زاده، ۱۳۹۵). اکثریت ساکنان این استان، کردزبان هستند. استان کردستان بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۰ دارای ۱۰ شهرستان، ۲۹ شهر، ۳۱ بخش، ۸۶ دهستان و ۱۶۹۷ آبادی دارای سکنه و ۱۸۷ آبادی خالی از سکنه بوده است. شهرستان‌های این استان عبارت‌اند از: مریوان، بیجار، دهگلان، دیواندره، سروآباد، سقز، سنندج، قروه، کامیاران و بانه. بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ استان کردستان ۱/۶۰۳/۰۱۱ نفر جمعیت دارد که ۶۶ درصد شهری و ۳۴ درصد را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد. تراکم نسبی جمعیت معادل ۵۲/۲ نفر در کیلومتر مربع است (وحدانی، ۱۳۹۶).

### ۳-۱-۲. استان کرمانشاه

استان کرمانشاه غربی‌ترین استان کشور و با مساحت ۲۴/۶۴۰ کیلومتر مربع، هفدهمین استان ایران از نظر وسعت به شمار می‌رود.

جمعیت این استان ۱/۹۵۲/۴۳۴ نفر است. برخی از بزرگ‌ترین اقوام و ایلات و طوایف نظیر ایل زنگنه، ایل کلهر، ایل گوران، ایل سنجابی، ایل قلخانی و ایلات لک شامل ایل جلالوند، ایل عثمانوند، ایل پایروند، ایل بالوند و ایل کاکاوند در استان کرمانشاه زندگی می‌کنند. زبان‌ها و گویش‌های گوناگون نظیر گویش‌های کرمانشاهی، لکی، کلهری، جافی، کردی گورانی، فارسی کرمانشاهی، ترکی سنقری، سورانی، پاوه‌ای، زاو رودی، لهونی، بالاجوبی، اورامی و گوران از رایج‌ترین گونه‌های گویشی در استان کرمانشاه هستند (مؤمن‌زاده، ۱۳۹۵). استان کرمانشاه از دیدگاه مذهبی نیز دارای گوناگونی بسیار زیادی است. به‌طور مثال پیروان شیعه (مذهب اکثریت مردم) و اقلیت‌های سنی، یارسان، نعمت‌اللهی، یهودی، مسیحی (ارمنی و آشوری) و بهایی در این استان در کنار هم زندگی می‌کنند (بلالی، ۱۳۸۴).

کردها ساکنین اصلی استان کرمانشاه هستند. طوایف مختلف کرد از قبیل گوران، زنگنه، کلیایی، کلهر، قلخانی، جمور، سنجابی و طوایف لک از قبیل جلالوند، کاکاوند، عثمانوند، پایروند و ... در این استان زندگی می‌کنند. ترک‌های استان کرمانشاه در کنار کردهای کلیایی در شهر سنقر زندگی می‌کنند. آنان به زبان ترکی سنقری سخن می‌گویند (بلالی، ۱۳۸۴).

### ۴-۱-۲. استان ایلام

استان ایلام، یکی از استان‌های کشور ایران است که در باختر این کشور و در ناحیه‌ای کوهستانی و نیمه‌گرم قرار گرفته است.

این استان از استان‌های کمابیش جنگلی ایران است. مساحت این استان ۲۰/۱۳۳ کیلومتر مربع است و جمعیت این استان برابر ۵۵۷۵۹۹ نفر است (مرکز آمار ایران).

استان ایلام یک استان راهبردی که دارای بیشترین ذخایر نفت و گاز کشور به همراه استان خوزستان و طولانی‌ترین مرز بین‌المللی با کشور عراق است. در ایلام عشایر کرد، لر

و لک چنان با هم درآمیخته‌اند که شناسایی آنان به این صورت آسان نیست. در ادبیات جهان تشیع از استان ایلام به‌عنوان استان صددرصد شیعه یاد می‌شود. استان ایلام اگرچه از نظر قومی متکثر است، اما به لحاظ مذهبی استانی است که همه ساکنانش پیرو مذهب شیعه دوازده‌امامی هستند (وب‌سایت ایرانیکا).

#### ۵-۱-۲. استان خوزستان

استان خوزستان استانی در جنوب غربی ایران است که بر کرانه خلیج فارس قرار دارد و مرکز تولید نفت و گاز ایران به شمار می‌آید. مساحت استان خوزستان ۶۴/۰۵۷ کیلومتر مربع است و با جمعیتی معادل ۴/۷۱۰/۵۰۶ نفر (۱۳۹۵)، پنجمین استان پرجمعیت ایران محسوب می‌شود. شهر اهواز، مرکز استان خوزستان است. استان خوزستان بالاترین نرخ مهاجرت را در میان تمام استان‌های ایران دارد. تنها در چند سال پیش از ۱۳۹۷، ۴۰۰ هزار نفر از مردم خوزستان بنا به دلایلی مانند آب ناسالم، ریزگردها و هوای نامطبوع، گرمای زیاد هوا و شرایط اقلیمی نامساعد همچنین بیکاری، فقر و گرانی، محل سکونت خود را ترک کرده و به شهرهای شمال ایران و خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند. استان خوزستان تیره‌های گوناگون انسانی را در برمی‌گیرد. خوزستان از لحاظ خرده‌فرهنگ‌ها متکثرترین استان ایران است. لره‌های بختیاری و سایر اقوام لر، عرب، فارس‌های بومی شهرها از آن جمله است (بلالی، ۱۳۸۴).



تصویر ۱. نقشه موقعیت استان‌های کشور منبع: (http://pltc.sbu.ac.ir)

### ۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

#### ۳-۱. سنجش آمار توصیفی جمعیت‌شناسی

آمار توصیفی جمعیت‌شناسی کارشناسان، صاحب‌نظران و اساتید به صورت جدول شماره ۲ است.

جدول شماره ۲. مشخصات جمعیت‌شناسی کارشناسان بر اساس شغل، مأخذ: یافته‌های تحقیق

شغل	فراوانی	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
اساتید دانشگاه	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
کارشناسان مسائل سیاسی	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
کارشناسان امور محیط زیستی	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
کارشناسان مسائل جغرافیایی	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
کارشناسان بخش‌های نظامی	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

۲-۳. تعیین مهم‌ترین چالش‌های سازمان‌دهی سیاسی فضا در استان‌های غربی کشور در جهت تجزیه و تحلیل پرسش‌های آمار توصیفی مهم‌ترین چالش‌های سازمان‌دهی سیاسی فضا در استان‌های غربی کشور، ابتدا پرسش‌ها از یکدیگر تفکیک گردید و سپس در نرم‌افزار SPSS عملیات کدگذاری انجام گرفت، کدگذاری به صورت طیف لیکرت، اعداد یک تا پنج ثبت گردید و پس از آن داده‌های پرسشنامه‌ها در محیط نرم‌افزار و در قسمت Data View ثبت گردید، پس از آن با استفاده از دستور Frequencies میانگین هر یک از سؤال‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها در یک جدول کلی ثبت گردید که نتایج آن به صورت زیر است:

جدول شماره ۳. مهم‌ترین چالش‌های سازمان‌دهی سیاسی فضا در استان‌های غربی کشور،

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ردیف	نتیجه	mean	sig	
۱		۴,۲۴	۰,۰۱۶	اختلافات نژادی میان اقوام و حکومت
۲	●	۲,۹۴	۰,۱۳	اختلافات نژادی اقوام مختلف با یکدیگر
۳	●	۲,۱۵	۰,۲۴	اختلافات مذهبی
۴	●	۳,۹۸	۰,۰۳۶	ناسیونالیسم قومی
۵	●	۴,۵۰	۰,۰۰	عدم مدیریت صحیح سازمان‌های مربوطه
۶	●	۴,۳۲	۰,۰۱	عدم هماهنگی میان سازمان‌های مربوطه
۷	●	۴,۶۴	۰,۰۰	فعالیت‌های اشراک و گروه‌های تروریستی در نواحی غربی
۸	●	۴,۱۸	۰,۰۲	نفوذ فرهنگی-اقتصادی دشمنان جمهوری اسلامی ایران
۹	●	۴,۳۷	۰,۰۱	چالش‌های مرتبط با ریزگردها و پیامدهای پس از آن
۱۰	●	۴,۶۰	۰,۰۰	چالش‌های مرتبط با بلایای طبیعی نظیر زلزله و پیامدهای پس از آن

۳-۳. شناسایی مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده ژئوپلیتیک امنیت و توسعه در استان‌های

غربی کشور

در جهت سنجش عوامل تهدیدکننده ژئوپلیتیک امنیت و توسعه در استان‌های غربی

کشور مؤلفه‌های عوامل محیط زیستی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد سنجش قرار گرفتند. در این راستا، هر یک از گویه‌ها از عوامل مختلفی تشکیل شده‌اند که شرح آن به صورت زیر است:

**محیط زیستی:** بحران‌های زیست محیطی اخیر: ریزگردها، سیل، زلزله، از بین رفتن زمین‌های کشاورزی.

**اقتصادی:** تمرکز به سوی اقتصاد نفتی، عدم حمایت از اقتصاد محلی، شکاف توسعه و نابرابری فضایی، بیکاری، نامناسب بودن مسکن، عدم برخورداری از امکانات مناسب.

**اجتماعی:** تنوع قومی و نژادی، تفاوت‌های فرهنگی، تفاوت‌های مذهبی، تفاوت‌های نژادی، قاچاق مواد مخدر، سرقت.

**سیاسی:** ساختار حکومت: تمرکزگرایی: قانون اساسی متمرکز، تمرکز در قانون‌گذاری، تمرکزگرایی ژئوپلیتیکی، تمرکز قدرت و ثروت، مدیریت متمرکز گروه‌های قومی، تمرکز قدرت و ثروت در کانون سیاسی.

جدول شماره ۴. سنجش آمار توصیفی مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده ژئوپلیتیک امنیت و توسعه در استان‌های غربی کشور

ردیف	مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده ژئوپلیتیک امنیت و توسعه در استان‌های غربی کشور		sig	mean	نتیجه	
	تأیید	رد				
۱	عوامل محیط زیستی		۰.۰۳	۴.۲۹	●	
۲	عوامل اقتصادی		۰.۰۱۶	۴.۵۱	●	
۳	عوامل اجتماعی		۰.۰۰	۴.۵۶	●	
۴	عوامل سیاسی		۰.۰۲	۴.۴۵	●	

#### ۴. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در حال حاضر از جمله مهم‌ترین قلمروهای جغرافیایی سرزمین ایران که نقش مهمی در امنیت ملی، تأثیرگذاری مهمی داشته است قلمروهای استان‌های غربی ایران است که در سال‌های گذشته به دنبال بحران‌های اقتصادی، مذهبی، سیاسی، اجتماعی و محیط زیستی،

زمینه‌ها را برای ایجاد بحران‌های دیگر به همراه خواهد داشت و این مسائل به دلایلی نظیر ناهمگونی‌های قومی - مذهبی، همبستگی‌های قومی - نژادی و مذهبی با کشورهای همسایه، تحرکات رژیم تروریستی آمریکا و رژیم صهیونیستی در این منطقه، افزایش مشکلات معیشتی، بحث محرومیت و سایر این قبیل موارد، بحران‌ها و مشکلات استان‌های غربی افزایش خواهد یافت و ژئوپلیتیک به‌ویژه در شاخه امنیت و توسعه دچار تغییرات گسترده‌ای خواهد گردید. عمده‌ترین اثرگذاری دولت‌ها در فضای داخلی و به‌واسطه سازمان‌دهی فضایی صورت می‌گیرد. از این رو کیفیت و چگونگی سازمان‌دهی فضا، همواره کانون تحولات داخلی کشورها است. دولت‌ها به دنبال ساماندهی چارچوبی منطقی برای ساختار و کارکردهای فضای داخلی هستند تا به این وسیله روند بقای خود را استمرار بخشند و این امر نیازمند شناخت چارچوب‌ها و تحلیل منطقی اصول حاکم بر ساختار، کارکرد و تکوین فضا و درک خصیصه‌های آن است.

بحران ژئوپلیتیکی عبارت است از منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های متشکل سیاسی - فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی. بحران‌ها و سرچشمه‌ها و انواع مختلف داشته و از لحاظ کارکردی منجر به خروج سیستم از حالت تعادل، بروز اختلال در وضعیت عادی و فرایندهای فضای جغرافیایی و زیستگاه انسان می‌گردند.

بحران‌های ژئوپلیتیکی هرچند شکل سیاسی به خود می‌گیرند ولی با نوع خاص بحران‌های سیاسی تفاوت دارند. بحران‌های سیاسی عامل بروز تنش در روابط دولت‌ها با یکدیگر می‌باشند و ممکن است به سردی روابط، قطع روابط و حتی جنگ و درگیری منجر شوند. این نوع بحران‌ها بیشتر از عوامل رفتاری، اندیشه‌ای، آئین دیپلماسی و تشریفات، تعرض و بی‌احترامی نسبت به پرستیژ ملی و ارزش‌های سیاسی، فرهنگی و نظایر آن ناشی می‌شوند. برخلاف بحران‌های ژئوپلیتیکی الگوی مداخله چند سطحی شکل می‌گیرد. به عبارتی سطوح مختلفی از بازیگران در ارتباط با بحران درگیر می‌شوند و این درگیر شدن بازیگران ناشی از اهداف خاص آن‌ها می‌باشند؛ مانند انگیزه‌های بشردوستانه یا

شبه بشردوستانه، توسعه حوزه نفوذ، ارتقای موقعیت ژئوپلیتیکی در سیستم منطقه‌ای و جهانی از طریق به دست گرفتن رهبری و مدیریت فرایند حل و فصل بحران که می‌تواند با رویکرد آشتی‌جویانه یا تداوم بحران همراه باشد. سطوح مختلف بازیگران در بحران ژئوپلیتیک عبارت‌اند از: ۱- سطوح محلی (بازیگران و طرف منازعه)، ۲- سطح منطقه‌ای، ۳- سطح فرامنطقه‌ای، ۴- سطح جهانی و کروی و ۵- سطح سازه‌ای یا سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی نظیر سازمان ملل و شورای امنیت (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۳۰-۱۲۷).

پژوهش حاضر که به بررسی سازمان‌دهی سیاسی فضا به منظور شناسایی قابلیت‌های ژئوپلیتیکی در راستای کاهش بحران‌ها در استان‌های غربی پرداخته است، دو مؤلفه مهم‌ترین چالش‌های سازمان‌دهی سیاسی فضا در استان‌های غربی کشور و شناسایی مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده ژئوپلیتیک امنیت و توسعه در استان‌های غربی کشور را مورد بررسی قرار داد.

در زمینه مهم‌ترین چالش‌های سازمان‌دهی سیاسی فضا در استان‌های غربی، نتایج نشان داد که چالش‌های زیادی در این زمینه در سطح استان‌های غربی وجود دارد که در این میان فعالیت‌های اشرار و گروه‌های تروریستی در نواحی غربی، چالش‌های مرتبط با بلایای طبیعی نظیر زلزله و پیامدهای پس از آن، عدم مدیریت صحیح سازمان‌های مربوطه و اختلافات نژادی میان اقوام و حکومت نقش پررنگ‌تری در این زمینه دارند و همچنین نتایج نشان داد که دو گویه اختلافات نژادی اقوام مختلف با یکدیگر و اختلافات مذهبی از جمله چالش‌های سازمان‌دهی فضا در استان‌های غربی محسوب نمی‌شوند.

در زمینه مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده ژئوپلیتیک امنیت و توسعه در استان‌های غربی کشور نیز نتایج نشان داد که عوامل محیط زیستی نظیر (بحران‌های زیست‌محیطی اخیر: ریزگردها، سیل، زلزله، از بین رفتن زمین‌های کشاورزی)، اقتصادی (تمرکز به سوی اقتصاد نفتی، عدم حمایت از اقتصاد محلی، شکاف توسعه و نابرابری فضایی، بیکاری، نامناسب)، اجتماعی (تنوع قومی و نژادی، تفاوت‌های فرهنگی، تفاوت‌های مذهبی،



تفاوت‌های نژادی، قاچاق مواد مخدر، سرقت) و سیاسی (ساختار حکومت: تمرکزگرایی: قانون اساسی متمرکز، تمرکز در قانون‌گذاری، تمرکزگرایی ژئوپلیتیکی، تمرکز قدرت و ثروت، مدیریت متمرکز گروه‌های قومی، تمرکز قدرت و ثروت در قانون سیاسی) از جمله مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده ژئوپلیتیک امنیت و توسعه در استان‌های غربی محسوب می‌شوند که در این زمینه عوامل اجتماعی و اقتصادی از تأثیرات بیشتری برخوردار می‌باشند.

موقعیت گردشگری استان‌ها، همبستگی‌ها و مراودات قومی - نژادی، ظرفیت بالای منابع و انرژی، وجود اقلیم‌های مختلف در بسیاری از شهرستان‌های استان، موقعیت ترانزیتی و ارتباطی استان، عدم وجود اختلافات و درگیری‌های مذهبی میان کلیه گروه‌های جمعیتی استان‌های غربی، روابط خیلی خوب ایران با کشورهای عراق و ترکیه و همکاری‌های دفاعی - نظامی ایران با هر دو کشور و قدرت نظامی - دفاعی نیروهای مسلح ایران، از جمله مهم‌ترین قابلیت‌های ژئوپلیتیکی استان‌های غربی محسوب می‌شود که سازمان‌دهی سیاسی فضا با به‌کارگیری مناسب و مطلوب این قابلیت‌ها می‌تواند به ارتقاء جایگاه اقتصادی استان‌های غربی، کاهش بحران‌های استان‌های غربی، افزایش امنیت استان‌های غربی و بهبود مقابله با تهدیدات و تحرکات امنیتی دشمنان جمهوری اسلامی ایران منجر شود.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- بشیریه، حسین، (۱۳۸۴ پاییز)، در آستانه آنومی سیاسی در ایران، مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- بلالی، آزاده، (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک قومیت‌ها در خاورمیانه و تأثیر آن بر امنیت ملی (مطالعه موردی مرزهای غربی ایران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدی‌پور، زهرا و قادری حاجت، مصطفی، (۱۳۹۴)، سیاست و فضا، پژوهشکده امیرکبیر، انتشارات پاپلی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت، تهران.
- قربان‌نژاد، ربیاز، (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- کلمن، دیوید و فرد نیکسون، (۱۳۸۷)، اقتصادشناسی توسعه‌نیافتگی، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: وثقی.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵).
- مؤمن‌زاده، شبنم، (۱۳۹۵)، نقش صنایع دستی بومی در توسعه گردشگری پایدار روستایی مطالعه موردی عروسک‌های بومی سنندج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- میرحیدر، دره؛ ذکی، قربانعلی، (۱۳۸۱)، بررسی نظام جغرافیایی - سیاسی ناحیه‌ای و امکان‌سنجی آن در ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی دانشگاه تهران، ۴۲، ۸.
- میرزایی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، تبیین کارکرد فاصله در سازمان‌دهی سیاسی فضا با تأکید بر استان خراسان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- میرشکاران، یحیی، (۱۳۹۲)، الگویابی سازمان‌دهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط با تأکید بر ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- وحدانی، اقبال، (۱۳۹۶)، شناسایی پهنه‌های آب‌وهوایی سازگار با کشت زعفران در استان کردستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- هاگت، پیتر، (۱۳۸۲)، جغرافیا ترکیبی نو، جلد دوم، ترجمه شاپور گودرزی‌نژاد، تهران: انتشارات سمت.

### ب. منابع اینترنتی

- <http://irancaa.epage.ir/expire.html>